

مقوله دولت و اداره شورائی جامعه

(تبلیغ و ترویج اداره شورائی به عنوان تنها بدیل علیه تداوم سرمایه داری به تحلیل و روشننگری از ساختار اداره شورائی، دولت در معنای عام، معضل بوم زیست، مذهب، مردسالاری، مبارزه علیه سرمایه داری فراتراز مبارزه اقتصادی طبقه کارگر، راهکار و نافرمانی مدنی مسالمت آمیز، در همسایگی ما چه می گذرد، یا کنفدرالیسم شمال و شرق سوریه، دارد)

دولت سامانی است نه ازلی و نه ابدی. بنابه یافته های باستان شناسان، بویژه گوردن چایلد، اولین دولت نزدیک به ۵۵۰۰ سال پیش در شهر-کشور «اروک» واقع در جنوب بین النهرین یا جنوب عراق کنونی در گذار قهرآمیز از دوران مادرسالاری-کمونیسم اولیه، کمونهای اولیه- بر پایه احترام والا به زنان، برابری اجتماعی، پیوند یا اجین شدن در طبیعت، انسان طبیعی، انسان، همبستگی، تعاون، اصل اخلاق واصل هدیه، به دوران پدرسالاری و پدیدار شدن دولت با شناسنامه تقسیم جامعه به طبقات، بروز نابرابری، ستم بر زنان، قهر، غارت، تجاوز، جنگ، تسخیر، برده داری، استعمار و استثمار سرکشید. با این دگرگونی، از یک سو مشخصات دولت همچون «دن ا» انسان از بدو پیدائی تا جوامع تاکنونی منتقل شد، و از سوی دیگر، علیرغم سرنگونی قهری نظم اجتماعی مادرسالاری سجدیه هایش در همبستگی، نوع دوستی، تعاون، سرشت هدیه دادن، اصل اخلاق و پیوند با طبیعت همچنان در کنار سلطه دولت بر جامعه به گونه هائی نفس کشیده است.

«هنری لوئیز مورگان» انسان شناس آمریکائی بیش از ۲۰ سال زندگی در میان کنفدرالیسم عشایر ایریکوز از مردمان بومی آمریکا، یافته هایش را در دهه ۱۸۷۰ منتشر نمود. انگلس با بهره گیری از یادداشت های مارکس از «ه ل م» کتاب «منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت» را تالیف کرد. انگلس در پیشگفتار کتابش توضیح می دهد: با رعایت اینکه تحقیقات جدیدی در دهه ۱۸۷۰ کشفیات مورگان را چالش و یا تکمیل نمی کنند، او به استناد تحقیقات ه ل م کتابش را تحریر می کند. ولی، اکتشافات اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم در بین النهرین داده های بس غنی تر از بافت جوامع پیشا تاریخ را آشکار کرد. حدود ۱۲۰۰۰ سال پیش انقلاب کشاورزی در اوفرا، واقع در کردستان شمالی، اتفاق افتاد، حیواناتی چند و گیاهان گوناگونی اهلی شدند، غیره.

اشکال اساسی انسان شناسی هنری لوئیز مورگان این بود که او با دید نژادپرستانه نژاد سفید آمریکا دوران های پیشا تاریخ را به زمان های توحش و بربریت تقسیم کرد (۱). نه تنها، مارکس و انگلس تقسیم بندی نژادپرستانه ه ل م را پذیرا شدند، بلکه سرآغاز تاریخ و شهرنشینی یا تمدن را به ظهور دولت های شهر-کشور آتن و شهر-کشور رم محدود ۲۵۰۰ سال پیش در دل جهان بربریت (۲) بشارت دادند- نگرشی اروپامحور. این هردو دولت های شهر-کشور ساختار اشرافیت برده داری داشتند و زنان، و برده ها را از دایره حقوق شهروندی محروم کردند! اشرافیت رم سپاهیان شکست خورده را برده کرده و برده را نه انسان بلکه، ابزار گوینده *Instrumentus vocal*، انگ می زدند. شهر-کشور آتن نیز بر ساختار برده داری بنیاد شده بود. «اگر دهقان خوش شانس بود همچنان مستاجر در زمین مالک باقی می ماند، او یک ششم محصول را برداشت می کرد و مالک پنج ششم را. ولی این تمام ماجرا نبود. اگر فروش محصول برای پرداخت وام کفاف نمی کرد، و یا قراد داد قرض بدون پشتوانه تنظیم می شد، دهقان بدهکار مجبور بود برای پرداخت بدهی فرزندش را به فروشد. انگلس می گوید: پدر فرزندش را بفروشد (۳)، چنین بود اولین میوه حق پدری و تک همسری (۴)». اگر رباخوار الوصفت هنوز راضی نمی شد، او می توانست دهقان مقروض بیچاره را نیز بفروشد.

ولی، برابر با اکتشافات بعدی در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم در بین النهرین شروع تاریخ، شهرنشینی یا تمدن حدود ۵۵۰۰ سال پیش در شهر-کشور اوروک زاده شد. با ملاحظه شناسنامه ظهور دولت در شهر-کشور اوروک، دولت های شهر-کشور رم و شهر-کشور آتن همان شناسنامه یا بربریت شهر-کشور اوروک را به ارث بردند. بالاخره، در فاصله بین شهر-کشورهای روم و آتن و شهر-کشور اوروک، شهر-کشورهای دیگر برای نمونه شهر-کشور بابل و شهر-کشورهای تمدن «فنیقی ها»

در «تایر»، «ارواد»، «بریتوس» در لبنان کنونی، یا کنعان باستان و «کارتاز»، در تونس معاصر بوجود آمدند (۵). گذشته از شهر-کشور اورک، این شهر-کشورها حکم ظهور شهر-کشورهای روم و آن در دل جهان بربریت را زیر سؤال بردند. «تامس هابس» بنیانگذار فلسفه سیاسی (۱۶۷۹-۱۵۸۸) سرمایه داری ضرورت وجود دولت را تئوریزه کرد. «ت ه» طرفدار چارلز اول پادشاه مستبد انگلستان بود. چارلز اول باورداشت فقط به خدا جوابگوست. چارلز در جنگ داخلی ۱۶۴۹-۱۶۴۱ انگلستان شکست خورد و سرش زیر تبر رفت.

ت ه در سال ۱۶۰۸ از دانشگاه آکسفورد درجه کارشناسی، لیسانس، دریافت کرد. ت ه معلم پسر بارن (۶) ویلیام کاوندیش شد و تا آخر عمر ارتباط اش با خانواده «ارل داونشایر»، لقب جدید فرزند ویلیام، را حفظ نمود. ت ه رساله اش را به ویلیام کاوندیش اهدا کرد...

«ت ه» بعد از مسافرت دراز و سکونت اش در فرانسه به سال ۱۶۳۷ به انگلستان ناآرام برگشت. وقتی، پارلمان کوتاه در شکست چارلز اول پادشاه انگلستان با پارلمان در سال ۱۶۴۰ وارد پارلمان دراز گردید، ت ه به فرانسه گریخت. در سال ۱۶۴۷ شکست چارلز اول در جنگ داخلی آشکار گردید، شاه برای حفظ پسرش چارلز او را به فرانسه فرستاد. در پاریس، ت ه معلم ریاضی چارلز جوان شد، تا اینکه چارلز به هلند پناهنده گردید. در سال ۱۶۶۰ دوباره سلطنت به انگلستان اعاده شد و چارلز از هلند برگشت و بنام چارلز دوم بر تخت پادشاهی انگلستان نشست، او به پاس حمایت ت ه از سلطنت استبدادی پدرش یک صد پوند حق بازنشستگی سالانه به ت ه اعطاء کرد.

تامس هابس با این انگاره آغاز می کند که زندگی بدون دولت به شرائطی شباهت خواهد داشت که آنرا وضعیت طبیعی نامید. در این شرائط، هر فردی حق یا مجوزی برای هر چیز دنیا خواهد داشت. هابس بحث می کند چنین شرائطی به «جنگ همه با هم، هرج و مرج» یا به **موقعیت طبیعی بشر** منجر خواهد شد. ت ه می گوید این شرائط در نبود جامعه سیاسی، یا جامعه مدنی، Civil Society، پدیدار می شود. در نبود دولت، جایی برای صنعت وجود ندارد، چراکه حاصل تولید معلوم نیست چه می شود، و از اینرو نه فرهنگ و نه دریاوردی و نه از کالاها استفاده خواهد شد... برای جلوگیری از هرج و مرج مردم باید ضرورت یک «قرارداد اجتماعی» را بپذیرا شوند. موافق با نظر ت ه، افراد برای تامین امنیت بخشی از حقوق اجتماعی شان را در اختیار دولت می گذارند. هر اقدامی دولت اجرا کند مردم نباید علیه اش مقاومت کنند! چرا که اتوریتت حاکمیت از تسلیم شدن بخشی از قدرت مردم برای حفاظت آنها نشأت می گیرد. ت ه طرفدار یک دولت مقتدر مرکزی بود (۷).

ببینیم، دولت مورد پسند ت ه، که در فقدان جنگ همه باهم و هرج و مرج زندگی همه را سیاه می کند، چه ساختار اجتماعی برقرار کرد. در پایان جنگ، ارزش مصرف سربازان تمام شد. پارلمان پیروزمند تصمیم گرفت بدون پرداخت حقوق عقب افتاده سربازان را ترخیص کند. سربازان و افسران دون پایه مقاومت کرده و در هماهنگی با جنبش غیر نظامی برابری خواهان شورا تشکیل دادند. شورا خواهان حق رای برای تمام مردم شد، و اولین قرارداد اجتماعی بنام «قرارداد مردم» (۸) را منتشر کردند...

ت ه از انقلاب به فرانسه فرار کرد، اواز رویدادهای برابری خواهانه جنبش برابری طلبان، برآمد شورای سربازان و افسران دون پایه و مجادله شان با ژنرال ها در پاتنی با خبر بود. در حقیقت، سخن ت ه از نبود دولت و هرج و مرج غیر مستقیم مخالفت اش با مطالبات جنبش های برابری خواهان و گودال کنان بود (۹). زیرا، تحقق هر اندازه ای از مطالبات دو جنبش برای اشرافیت و سرمایه داری تجاری هرج و مرج تلقی می شد. بعد از پایان جنگ داخلی تا سال ۱۶۶۰ حکومت جمهوری در انگلستان برقرار شد. جالب است که تاریخ رسمی انگلستان، از اشاره مستقیم به حکومت جمهوری این دوره کوتاه اکراه دارد و این دوره کوتاه را **دوره بدون دولت یا برهه «Interregnum»**، به معنی زمانی که کشور رهبر نداشته و منتظر رهبر جدیدند، نامگذاری کرده است. در سال ۱۶۶۰، فرستاده پارلمان انگلستان با چارلز جوان پناهنده در هلند دیدار و با این شرط که اتوریتت پارلمان را به پذیرد سلطنت انگلستان را بوی تفویض کنند، چارلز شرط پارلمان را قبول کرد، و شد پادشاه مشروطه سلطنتی انگلستان با اختیارات گسترده. در این جامعه مدنی ت ه کل زنان و اکثریت غالب مردان حق رای نداشتند. مجلس لردها

موروثی بود، افراد دارا حق رای دادن و حق انتخاب شدن به مجلس عوام را داشتند. انتخابات به پارلمان برحسب جمعیت محل انتخابات برگزار نمی شد. شهرهای بزرگی بودند که حتی حق انتخاب یک نماینده به پارلمان را نداشتند، در عوض حوضه های انتخاباتی با جمعیت کمتر نظیر باروی گندیده، Rotten Borough، چند نماینده به پارلمان می فرستاد (۱۰). از این گذشته، نهادهای اجتماعی نظام سرمایه داری نظیر دانشگاه آکسفورد چندین نماینده به پارلمان تعیین می کردند. در یک سواشراف و سرمایه داران بودند و در سوی دیگر اکثریت مردم بدون تامین زندگی. بچه های گرسنه را به اتهام دزدیدن قرص نانی دار می زدند...

درفر امرزی، دولت جامعه مدنی انگلستان ت ه سیاست توسعه طلبی، تسخیر سرزمین ها را پیش می برد و سودهای کلان از تجارت برده کسب می کرد، و مشابه رومی ها برده را نه انسان بلکه شیئی و کالا مشاهده می کردند...
ت ه تئوریزه کرد که در نبود دولت، جنگ همه با هم و هرج و مرج و عدم امنیت جامعه را تهدید خواهد. کنفدرالیسم عشایر ایریکوز آمریکا در اوائل قرن نوزدهم هنوز بسیاری از جلوه های دوران مادر سالاری را کنش می کردند. «اصل پایه ای جوامع ایریکوز نفی دولت بود. آزادی فرد در میان تمام مردمان بومی شمال مکزیکو، یا آمریکای شمالی به مثابه سنتی بی اندازه گرانقدرتر از وظایف افراد به کامیونیتی، کمون، یا ملت احترام داشت. این نگرش انارشیستی نفی دولت بر تمام منش ها و رسوم بر کوچکترین واحد اجتماعی ناظر بود، والدین بومیان آمریکا پیوسته از تنبیه یا انضباط بچه هایشان اکراه داشتند. هر جلوه ای از اراده فردی به عنوان نشانه مناسبی از بلوغ و رشد خصیصه فردی را می پذیرفتند... گهگاهی شورا با شرائط عضویت ضعیف یا شل و تغییر اعضا تشکیل جلسه می داد، که تصمیماتش نه با زور، بلکه به پشتوانه نفوذ معنوی عمومی اجرا می شد. یک کشیش موراوین که در بین بومیان آمریکا زندگی کرده بود، چنین شرح می دهد: این نظم بدون آشوب و فقدان ناآرامی های مدنی، بعد از اعصار هنوز باقی مانده است، این شیوه حکومت، اداره جامعه، که شاید دنیا بدیلی برای آن ندارد؛ در اینجا قانونی مشابه سرمایه داری وجود ندارد، بلکه سنت های رفتاری از زمان های بس دراز بجا مانده اند...» (۱۱)
یکی از تحقیقات مدرن در باره ماهیت دولت توسط «دیوید هیوم»، David Hume، فیلسوف و فیلسوف سیاسی انگلستان انجام شده است. آنچه وی نوشت آنرا «بنیاد تئوری دولت» نامید، نکته ای که وی مطرح می کند این است که در هر دولتی، مهم نیست چگونه دولتی باشد-اینکه دولت فنودالی، دولت نظامی، یا هر دولت دیگر، قدرت واقعی در دست مردم قرار دارد. مردم می توانند، مشروط بر اینکه متحد شوند، قدرت را تسخیر کنند. تا زمانی که تحت زور و سرکوب مردم احساس کنند قدرت ندارند، قدرتمندان حکومت خواهند کرد. اما، اگر مردم دریابند قدرت دارند، در آن صورت دولت های سرکوبگر و خودکامه سرنگون خواهند شد. این یکی از دلائلی است که امروز ما صنعت عظیم روابط عمومی، Public Relations، را داریم (۱۲).

آنتونی گرامشی و مقوله دولت

آنتونی گرامشی نیز قدرت دولت را در جامعه می بیند. برابر با تحلیل گرامشی در هر مرحله ای یک تعادل قدرت بین جامعه مدنی و قدرت دولت برپا می شود، سلطه بلامناطع قدرت دولت بر جامعه به این معناست که یک موازنه کامل به نفع دولت دایر می شود، به هر درجه ای که مردم جامعه اقتدار دولت را چالش نمایند تعادل جدیدی به جهت جامعه حادث می شود، با فرض تداوم چالش مردم سلطه دولت بر جامعه محو می گردد.

کمون یا شورای پاریس ۱۸۷۱

بعد از پدیدار شدن شورای سربازان و افسران دون پایه در جنگ داخلی دهه ۱۶۴۰ در انگلستان و انتشار بیانیه «قرارداد مردم»، در صورت تحقق حاکمیت پارلمان اشراف و سرمایه داران تجاری را زیر سؤال می برد، کمون یا شورای پاریس (۱۳) بدیل

دولت سرمایه داری پدیدار شد. حاکمیت دولت های سرمایه داری فرانسه و به تبع آن دموکراسی فرانسه با قفس کردن مردم فرانسه در شورا های شهری سازمان یافته از بالا بنیاد شده بود. در این دموکراسی سهم شرکت مردم در سیاست به یک روز رفتن پای صندوق انتخابات تقلیل یافته بود. کمون پاریس سامانی کاملاً متفاوت بنا کرد. بجای کمون ها یا شهرداری های از بالا، ایستاده روی سر و فاقد قدرت، شهرداری های ایستاده روی پا، یا دموکراسی کل مردم جوانه زد-شرکت همه در سیاست. مارکس در تحلیل اش «جنگ داخلی در فرانسه»، گذشته از برشمردن اقدامات شورای پاریس، می نویسد اعضای کمیته اجرائی از سوی مردم شهرداری های پاریس انتخاب شدند و جوابگو به مردم شهرداری ها. این نگرش دگرگونی بنیادی در اداره جامعه مورد توجه مارکس واقع نشد. چرا که او باورمند به سازمان یابی طبقه کارگر، در عمل عطف توجه اش به کارگران صنفی ماهر مردم، محدود گردید، و قرار شد با به قدرت رسیدن طبقه کارگر طی دوره ای دولت افول کند. وگرنه، کسب آگاهی و سازمان یافتن محلات کارگری در هر بعدی کنش و پراتیکی غیر ممکن نبود (۱۳). آنچه در پیامد شورای پاریس روی داد، این شد که گرایشات چپ جنبه هائی از اقدامات شورای پاریس را در برنامه هایشان منظور کنند. بدین ترتیب، تا به امروز سازمانیابی محلات کارگری تقریباً بطور کامل همچنان روی زمین مانده است.

فیتیش دولت

طی چهار قرن سرمایه داری از دولت فیتیش ساخته است. جامعه بدون دولت، در شکل دموکراتیک بورژوائی یا دیکتاتوری، دچار هرج و مرج می گردد. این تبلیغات ذهنیتی ژرف از ضرورت وجودی دولت بوجود آورده است. تمام بدیل های روابط سرمایه داری جمهوری اسلامی داعش- به جز اداره شورائی جامعه با شرکت تمام مردم در اداره جامعه، یا دموکراتیزه کردن کامل حیات سیاسی- تاسیس دولتی دیگر را وعده می دهند.

مراد عظیمی

۲۰۱۹/۰۸/۰۲

توضیحات

۱- بعد از هنری لوئیز مورگان، انسان شناسان دوران های پیش از تاریخ را به دوره های سنگی پسین، میانه و بالا تقسیم کردند.

۲- رم مردم شمال آفریقا را که با آنها تماس پیدا کرد آنها را بربرنامید، و شد واژه ای رایج.

۳- منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، چاپ پکن، صص ۱۳۳-۱۳۲

۴- اشاره انگلس به حق پدری، درحقیقت همان انتقال از دوران مادرسالاری به پدرسالاری است. انگلس در مقدمه کتاب با استناد به اسطوره ایلیداد وادیسه از هومرگذار از حق مادری به حق پدری را توصیف می کند. ولی، انگلس فراتررفت تا این انتقال را گذار از دوران مادرسالاری به عصر پدرسالاری تشخیص دهد.

۵- Wikipedia

۶- واژه بارن از القاب اشرافیت زنده مانده از دوران فنودالیسم.

۷- هنوز پادشاه یا ملکه می تواند با اطلاع به نخست وزیر پارلمان را منحل کند.

۸- اولین قرار داد اجتماعی بنام قرارداد مردم از طرف «برابری خواهان لولرها» درجنگ داخلی دهه ۱۶۴۰ انتشار یافت. متن قرارداد مردم:

- آزادی وجدان در خصوص مذهب (ما نباید طریق پرستش خدا را در اختیار کسی و یا کسانی قرار دهیم).
 - آزادی از خدمت وظیفه اجباری (به این دلیل که پول و منابع مالی همیشه در اختیار پارلمان بوده و هرگز نباید شهروندان را با زور وادر به جنگ نمود).
 - عفو عمومی برای تمام کسانی که در جبهه پارلمان ویا چارلز جنگیدند.
 - قوانین باید بدون موقعیت مالی افراد برای همه برابریه مورد اجرا گذاشته شود. نباید برحسب شغل، دارائی، موقعیت،درجه، زایش در خانواده یا محل تولد بین افراد تبعیض قائل شد.
- پارلمان نباید قانونی تصویب کند که آشکارا مخرب و مضر برای ایمنی و رفاه مردم باشد. به اختصار، «قرارداد مردم، پیش نویس یک قانون اساسی پیشرو در زمانش و برای یک دولت دموکراتیک را عرضه می کرد.(شاید انگلستان تنها کشوری است که هنوز قانون اساسی ندارد. مراد عظیمی)، جفری رابنسون بریستر، Geoffrey Robertson Barrister»
- ن می تواند پارلمان را منحل کند.
- ۸- هنوز پادشاه یا ملکه انگلستان در عمل می تواند پارلمان را منحل کند.
- ۹- گودال کنان، Diggers ، یک جنبش جنینی کمونیستی بودند. Jerald Winstanley، رهبر گودال کنان می گفت زمین از آن کسی است که آنرا کشت می کند...پل فوت، Paul Foot ، حق رای چگونه پیروزوچطورمحتوایش قلب شد.
- ۱۰- همانجا

۱۱- تاریخ مردمی آمریکا، نوشته هاود زین، Howard Zinn.

۱۲- Requiem For The American Dream . نوآم چامسکی.

۱۳- چرا شورای پاریس؟ واحد یا سلول شورا را کمون یا شهرداری تشکیل می دهد. سامانی که در پاریس پدیدار شد نه نتیجه یک همایش کلان سراسری مردم پاریس و انتخاب کمیته اجرایی بود، بلکه نماینده های انتخابی شهرداری های پاریس اعضای ک تشکیل دادند. مارکس در رساله جنگ داخلی درفرانسه می گوید، اعضای کمیته اجرایی از سوی مردم شهرداری ها انتخاب و به آنها پاسخگوگردیدند.

۱۴- احزابی که دراشکال سازمان های مردمی اجین نشده باشند، درمعنای کلاسیک سیاسی نیستند، در واقع این ها هستی هائی بوروکراتیک و طرفدار ضدسیاست های مشارکتی و شرکت شهروندان در سیاست هستند. به راستی واحد واقعی زندگی سیاسی اداره شهرداری هاست، جایی که کوچکتر است همه جمعیت را شامل می شود و یا بنا به وسعت اش به مدیریت های فرعی به خصوص محلات تقسیم می شود. ماری بوکچین، Murray Bookchin.